

وعده انتشار آثار «موزه هنرهای معاصر» عملی شد

تورق گنجینه ملی



علیرضا پختی استوار

موزه هنرهای معاصر بالاخره تصویر همه آثار گنجینه خود را در قالب سه مجلد منتشر کرد و در اختیار همگان گذاشت. آثاری که بحث بر سر تعداد آنها در سال‌های بعد از انقلاب یکی از مهم‌ترین مسائلی بود که همواره در مقاطع مختلفی در باره آن صحبت به میان آمده و موجب بروز تحصن‌ها و مطالبه‌هایی از سوی انجمن‌های هنری و یادانشجویان و علاقمندان به هنرهای تجسمی شده بود. به گفته بسیاری از مراجع معتبر هنری در داخل و خارج از کشور، گنجینه موزه هنرهای معاصر یکی از مهم‌ترین گنجینه‌های هنر مدرن در جهان است و آثار بزرگ‌ترین هنرمندان عرصه تجسمی جهان در آن نگهداری می‌شود که نظیر آنها در هیچ موزه دیگری وجود ندارد. آثاری از هنرمندان شهیری چون پیکاسو، سالوادور دالی، خوان میرو، ون گوگ،

دوید هانکی، مارک شاگال، روتکو، اندی وار هول و... در گنجینه موزه نگهداری می‌شود و کنار هم قرار گرفتن این اسامی ضرورت انتشار این کتاب‌ها را دوچندان می‌کرد.

وعده‌ای که بالاخره عملی شد

چاپ آثار گنجینه و مدون کردن آنها در قالب کتاب در گذشته نیز صورت گرفته بود اما کتاب منتشر شده قبلی با ایرادهای متعددی مواجه بود. یکی از این ایرادها اطلاعات غلطی بود که در کنار برخی از آثار گنجینه درج شده بود. در آن کتاب، آثاری هم که در اصل به فضاهای دیگری چون «گالری نیوران» یا «دفتر مخصوص» تعلق داشتند به اشتباه به عنوان آثار موجود در گنجینه موزه در کتاب ثبت شده بودند. از طرفی تصویر برخی از آثار هنری به دلیل عدم همخوانی با موزاین اسلامی از کتاب حذف شده بودند. پس از روی کار آمدن سید مجتبی حسینی به عنوان معاون هنری وزیر ارشاد و انتخاب هادی مظفری به عنوان مدیر کل هنرهای تجسمی رویکرد جدیدی در عرصه

رویدادهای هنری در حوزه تجسمی شکل گرفت که بیشتر سویه پژوهشی و مطالعاتی داشت. نتیجه این رویکرد در خردادهایی چون دو سالانه‌های هنری و برگزاری جشنواره تجسمی فجر نمود داشت. این افراد از روزهای آغازین فعالیت خود و همزمان با مرمت موزه هنرهای معاصر، قول انتشار کتاب گنجینه را در پیرامون نشست‌های مختلف دادند و سرانجام این اتفاق عملی شد.

نخستین مجلدها از گنجینه موزه

آنگونه که پیداست برای گردآوری و انتشار این کتاب‌ها نزدیک به ۲۰ پژوهشگر بر آثار تحقیق و بررسی انجام داده‌اند و نتیجه کارشان در سه مجلد منتشر شده است. این سه مجلد برخلاف کتاب قبلی موزه که همه آثار را کنار هم و در یک کتاب چاپ کرده بود شکل مجزا دارد. کتاب اول این مجموعه، گزیده آثار بین‌المللی گنجینه است که ۲۳۲ اثر در ۳۹۰ صفحه منتشر شده است. در جلد دوم این مجموعه ۲۳۹ اثر چاپ بین‌المللی را در ۴۵۵

صفحه گردآوری شده است. ۱۲۷ اثر از عکس‌های موجود در گنجینه نیز در یک مجموعه ۲۸۰ صفحه‌ای چاپ شده و تیراژ هر سه کتاب ۱۰۰۰ نسخه است. امادینگر کتاب‌ها را از ششمین موزه که همزمان با کتاب گنجینه منتشر شده است کتاب «شاهنامه شاه طهماسب» است. این کتاب حاوی تمامی نگاره‌های باقی‌مانده از شاهنامه است و کامل‌ترین شاهنامه‌ای است که در ایران چاپ شده است. تمامی صفحات از سراسر جهان گردآوری و در این کتاب منتشر شده است. شاهنامه شاه طهماسبی دارای ۲۵۸ نگاره است که همه آن‌ها از موزه متروپولیتن و مجموعه‌های خصوصی گردآوری شده و این دقیق‌ترین شاهنامه‌ای است که تا به حال چاپ شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

اهمیت جستار نویسی ادبی در «پرسونا»

یکی از دیگر کتاب‌های که همزمان با آثار گنجینه در موزه هنرهای معاصر منتشر شده کتاب «پرسونا» است که در مقایسه با دیگر کتاب‌های منتشر شده در موزه یک ویژگی جدید دارد. پیش از این، کتاب‌های موزه همیشه شکلی کاتالوگوار داشت. در کاتالوگ بیشتر ساختار استیمنت‌نویسی (معرفی) لحاظ می‌شد اما در اثر جدید موزه ساختار کتاب شکل جستار نویسی دارد و به همین دلیل ساختار ادبی پیدا کرده است. در این جستارها منتقدان و نویسندگانی شناخته شده در قالب متنی صمیمی با بافتی نزدیک به مقاله به مواجه خودشان با آثار اندی وار هول که در گنجینه موزه هنرهای معاصر وجود دارد پرداخته‌اند. این کتاب به واسطه نمایشگاهی با همین عنوان یعنی «پرسونا» شکل گرفت و کانون ادبیات موزه با همراهی امیرراد و آیدا مرادی آهنی کار گردآوری آن را بر عهده داشتند. این کتاب نیز در ۲۳۱ صفحه و در ۱۰۰۰ نسخه به چاپ رسیده

است. کتاب «ارمغان» دیگر کتابی بود که در موزه هنرهای معاصر به چاپ رسیده است. نخستین نمایشگاهی که بعد از بازگشایی مجدد موزه برگزار شد نمایشگاهی بود از آثاری اهدایی خانم منیره میرعمادی و جمشید نصری به گنجینه موزه هنرهای معاصر. کتاب ارمغان در باره این ۱۶۹۶ اثری است که به گنجینه اهدا شده است. البته همه این آثار قرار نیست در موزه باقی بماند و بخشی از آن به موزه هنرهای معاصر کرمان اهدا شده و بعد از این کتاب مجزایی از آثار اهدایی به آن موزه نیز منتشر خواهد شد.

کتابی در پاسخ به اعتراضات و شائبه‌ها

مرمت، بهسازی و نوسازی موزه هنرهای معاصر طی سه سال گذشته یکی از خبرسازترین اتفاق‌ها در حوزه هنرهای تجسمی بود. بسیاری از هنرمندان و منتقدان از سوی مطبوعات نسبت به این بازسازی اعتراض کردند و این اقدام را نوعی خرابکاری خواندند. چندباری در موزه بازدیدها و نشست‌هایی صورت گرفت تا انجمن‌ها به شکل شفاف‌تری روند این بازسازی مطلع شوند و بعد از این بود که شائبه‌ها رفع شد. یکی از کتاب‌های منتشر شده در موزه هنرهای معاصر کتابی است با عنوان «روند مرمت، بهسازی و نوسازی موزه» که به صورت

دقیق و با ریز جزئیات روند این مرمت را گزارش داده است. اگرچه اقدام موزه برای چاپ گنجینه موزه کمی دیرخ داد اما به انجام رسید این موضوع یکی از بهترین اتفاق‌هایی بود که در دوران اخیر برای موزه رخ داده است. البته این کتاب‌ها همگی با حمایت بخش خصوصی منتشر شده و طراحی و چاپ آنها به واسطه استودیوهایی صورت گرفته که در حوزه طراحی و چاپ کتاب نام آشنا هستند و این حسن سلیقه را نیز باید یکی دیگر از نکات مثبت چاپ کتاب گنجینه موزه هنرهای معاصر دانست.



میراث

در گفت‌وگو با ایلنا مطرح شد: **اگر مدیران کارآمدی داشتیم در مرمت طاق کسرا موثر عمل می‌کردیم**
یک کارشناس رسمی دادگستری و مرمت، گفت: متخصصان میراثی مامی توانند در کشورهای همسایه از عراق گرفته تا افغانستان فعالیت داشته باشند؛ اما به این دلیل که مدیران کارآمدی نداریم، حتی در مرمت طاق کسرا هم نتوانستیم موثر عمل کنیم
به گزارش خبرنگار ایلنا، احمد رضا حشمتی، با اشاره به پرونده‌های میراثی که در دادگاه‌ها این دست به آن می‌شوند، نبود مدیریتی صحیح و متخصص را عامل این مهم عنوان کرد و افزود: عدم اشراف مدیران به موضوعات مطرح شده، ضعف مدیریتی و به موقع عمل نکردن آن‌ها سبب شده در بسیاری از موارد، میراث فرهنگی محکوم شود و در نهایت صدور برخی حکم‌ها منجر به تخریب اثر تاریخی و تجاوز به عرصه و حریم شده است. حتی بسیاری از تخریب‌ها بدون اطلاع میراث‌فرونگی بوده که این هم قصوری دیگر در این حوزه به حساب می‌آید.



به گفته حشمتی، نباید فراموش کرد که بزرگ‌ترین سرمایه میراث فرهنگی، نیروی انسانی و متخصصان آن است، پول حرف دوم را می‌زند. اگر مدیران کارآمد داشتیم می‌توانستند با ارزیابی هزینه لازم را تأمین کنند. طاق کسرا مرمت شد بدون آنکه ایرانی‌ها در آن دخیل باشند. حتی چندی پیش آفریقایی‌ها مرمت یک حمام و مسجد از مادرخواست کارشناس کرده بود و امور دیپلماسی برای حضور کارشناسان ایرانی انجام گرفت و فقط نیازمند تأمین هزینه رفت و برگشت بودیم که آن هم محقق نشد. او تصریح کرد: با وجود آنکه در ایران شاهد فعالیت نهادهای مختلف از جمله ایکوم، ایکوموس، ایکوم هستمیه نهادهای مستقلی که می‌توانند کارهای زیادی انجام دهند اما نباید فراموش کرد که مسئله ایران فقط ثبت جهانی نیست و باید در تمام حوزه‌ها فعال و حضور داشته باشد که به دلیل نبود انسجام لازم بین نهادهای دخیل این اتفاق نمی‌افتد. در بیشتر مواقع شاهد آن هستیم که روسای بخش‌های فعال در حوزه میراث از ایکوم گرفته تا ایکوموس و... چشم‌پندارند و هم‌دیگر را ببینند چهره‌سده که باید یکدیگر تعامل داشته باشند یا با انسجام بتوانند کاری پیش ببرند. شاید در بدنه اصلی میراث شاهد چندقطبی بودن نباشیم اما آنجا که بحث قدرت‌نمایی می‌شود، همدیگر را قبول نداریم.

حشمتی معتقد است: هر مسئولی باید گام‌های خود را برای بهبود شرایط بردارد و آن را به نفع بعد بسیار دارد. وقتی کارها انجام نمی‌شود و انتظارات برآورده نمی‌شود، وضعیت کنونی پیش می‌آید. وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مانگونه که از نامش مشخص است بر پایه میراث است و گردشگری و صنایع دستی تابعی از میراث هستند. اگر به میراث فرهنگی توجه نشود، در حوزه دیگر هم آسیب می‌بینند.

این کارشناس مرمت اذعان داشت: انتخاب مدیران و افرادی که در کمیته‌های فنی فعال هستند بهتر است بر اساس میزان تعهد و کارایی افراد باشد. باید مدیرانی انتخاب شوند که پاسخگو و به دنبال پیشبرد کارها باشند. خوشبختانه در میراث فرهنگی قضاوت‌رالجال نداریم که در بخش‌های مختلف از بازنشستگاه استفاده کنیم باید کار را به جوانان متخصص سپرد. مرکز انتخاب‌ها که فقط تهران نیست، می‌توان از متخصصانی که در شهرستان داریم هستند هم استفاده کرد. حتی کارشناسی داریم که در خارج فعال هستند و می‌توان آن‌ها را فراخواند. حال آنکه آنها از گردونه حذف شده‌اند و حضور ندارند. با توجه به آنکه هنوز انتخاب و انتصاب خاصی در وزارتخانه میراث و گردشگری اتفاق نیفتاده این گمانه زده می‌شود که وزیر جدید با وسواس و حساسیت بیشتری جلومی‌رود. بهتر است به گذشته افرادی که معرفی می‌شوند هم توجه شود. انتظار متخصصان امر، شایسته‌سازی است. پیدا کردن این افراد کار سختی نیست.

بله. خوشبختانه یک پروژه بین‌المللی در دست اقدام داریم. در واقع به دلیل گستره صدا و تمریناتی که انجام دادیم، به استانداردهای جهانی و خوانندگان تراز اول دنیا نزدیک شده‌ام و با یکی از خوانندگان بند «آیس برگ» (Stuart Block) که از هوی متال‌های بسیار معروف هستند، از طریق ایمیل مکاتبه کردم و ترانه‌هایم را به وی عرضه و پیشنهاد اجرای دو صدایی دادیم که با استقبال ایشان نیز همراه شد.

این نخستین اجرای ایرانی‌ها در این سطح از موسیقی دنیاست؟

بله. در واقع تاکنون هیچ یک از هنرمندان کشورمان چنین موقعیتی نداشته‌اند و فرصتی است تا ما هم بتوانیم غنای فرهنگ ایرانی را به دنیا نشان یادآور شویم و در عین حال، درک بهتری از دیگر فرهنگ‌ها داشته باشیم.
این پروژه چه زمانی به انجام می‌رسد؟
متأسفانه هنوز به دلیل مشکلات و بار مالی این موضوع، موفق به اجرای آن نشده‌ام. البته ذکر این نکته ضروری است که حرفه اصلی من خوانندگی و موسیقی نیست؛ بلکه از درآمد شغلی‌ام، برای رشد خودم در دنیای موسیقی هزینه می‌کنم تا روزی که به درآمدزایی هم برسم.
اسپانسر برای این همراهی با شما داوطلب نشده است؟
متأسفانه از آنجا که این سبک از موسیقی هنوز بین مردم ما مهجور است، اسپانسر اعلام آمادگی نکرده است.

گفته‌های دوستان و منتقدینی است که این کار را شنیده‌اند. حال به جرئت و براساس بازخوردهایی که گرفتم، می‌توانم بگویم قبل از «بانو مخدر»، هیچ اثری در ایران منطبق با استانداردهای جهانی در حوزه خوانندگی و شعر (در عرصه موسیقی راک) کار نشده بود؛ یا اشعار ضعیف بودند و یا خواننده‌ها قدرت کافی و اثرگذاری مطلوب نداشتند. با بارگذاری «بانو مخدر» در شبکه‌های خصوصی، بازخوردهای مثبتی از سوی اهالی این فن داشتم که باعث دلگرمی بود. منتقدان موسیقی هم معتقد بودند که برای اولین بار است موسیقی «راک» در قامت زبان فارسی، این چنین به دل می‌نشیند.

آیا در حال حاضر پروژه‌ای را در دست تولید دارید و روی آلبوم خاصی کار می‌کنید؟

بله. آلبوم «جوهر و خون» را در دست کار داریم که تاکنون ۴ قطعه آن با تهیه‌کنندگی دوست بسیار عزیزم مسعود مقدری به پایان رسیده و ۳ قطعه دیگر هم با کمک آرش عزیز خانسی در دست ساخت داریم.
آیا برای معرفی راک ایرانی به آن سوی مرزها هم اقدامی کرده‌اید؟



موسیقی «راک» و «متال» پرخاشگر نیست

متال» آشنا شدم و از آنجا که درک خوبی از زبان انگلیسی داشتم، ابتدا شیفته محتوا و سپس فرم کامل این سبک از موسیقی شدم. در واقع بند معروف «منووار» که یکی از آلبوم‌های سبک هوی متال دنیاست و محتوایی حماسی دارد، مرا به این دنیای پر جاذبه برد. به زبان ساده، معادل فارسی «منووار»، مانند این است که کسی در فارسی، اشعار حماسی فردوسی و شاهنامه‌اش را بخواند. روح سرکش یک نوجوان بیش از این چه می‌خواهد؟ این طور شد که دل‌بسته این نوع از موسیقی شدم و رفته رفته با «متال» و «راک» پیوند خوردم، پیوندی که در واقع به خاطر عمق مضامین اجتماعی، فلسفی و حماسی بود. سبک‌های موسیقی بود.
به نظر می‌رسد این سبک از موسیقی، هنوز با پایه اجتماعی مطلوبی ندارد. شما دلیل این اتفاق را چه می‌دانید؟
من معتقدم که این موسیقی با تمام جاذبه‌هایش و با مضامین بلند احساسی و اجتماعی و فلسفی‌اش، هنوز به درستی به مردم معرفی نشده. عدم آگاهی درست از این مقوله، حتی باعث ایجاد برداشتهای نادرست زیادی شده است. برای نمونه برخی، این سبک از موسیقی را «پر خاشگر» می‌خوانند و برخی نسبت‌های نادرست دیگری به آن می‌دهند. همین عدم شناخت و آگاهی است که هنوز مردم

نیما حسین زاده مطرح کرد:

نیما حسین زاده مطرح کرد:

نیما حسین زاده متولد ۲۲ شهریور ۱۳۶۰ است. او در دبیرستان گرافیک خوانده و با اینکه به خوبی، بوم و رنگ را می‌شناسد اما دنیای هنر او را به سوی موسیقی برده است. او در دوران نوجوانی با سبک‌های «راک» و «متال» آشنا شده و به گفته خودش، با تمرین و تکرار، به چنان مهارتی رسیده که امروز، از سوی خوانندگان معروف این سبک از موسیقی دنیا، دعوت به همکاری شده است.
این اتفاق فرصتی است تا به واسطه آن، فرهنگ غنی ایرانی با زبان موسیقی به گوشه و کنار دنیا سفر کند. شاید با وجود فعالیت‌های بیرون مرزی هنرمندان ایرانی موسیقی کشورمان بیش از پیش به جهانیان معرفی شود. خبرنگار ایلنا، همکاری نیما حسین زاده با هنرمندان غیر ایرانی را فرصت مناسبی برای پرداختن به فعالیت‌هایش دانسته و با او گفت‌وگویی انجام داده است که از نظر نامی می‌گذرد.

از چه زمانی به موسیقی علاقمند شدید؟

از دوران نوجوانی. درست زمانی که دوستانم به اصطلاح آهنگ‌های روی حوضی گوش می‌دادند، توسط برادر بزرگترم با موسیقی «هوی